

نویسنده: داکتر اعجاز اکرم (Dr.Ejaz Akram).

منبع و تاریخ نشر: گلوبال ریسرچ « 20-03-2020 ».

برگردان: پوهند وی دوکتور سید حسام «مل» .

-----[38]-----

موضع پاکستان در مورد توافقنامه امریکا - افغانستان و تاثیر آن بر یک کمربند و یک جاده چین

*Pakistan's Position on the US-Afghanistan Settlement: Impact on
China's Belt and Road*



ژایو لیجیان (Zhao Lijian) سخنگوی وزارت امور خارجه چین با آگاهی کامل ادعا کرد ، که ایالات متحده در خزان سال (2019) از طریق پرسونل نظامی خود در ووهان چین در طول تمرین با زی های نظامی بد نبال انتشار و ویروس کرونا بوده است که اگر این موضوع واقعیت داشته باشد ؛ چین دارد که در ارتباط اظهارات ایالات متحده در امور جهانی همین حالا علیه روایت های دروغین امریکا آغاز به مسابقه نماید .

چنین به نظر میرسد که سال (2020) سال ملاحظه و یا سال دید دوید بده خواهد بود :
کشف توطیه ها – تیوری کمتر و واقعیت های بیشتر ! در اینصورت قابل درک است که ایتالیا ممکن به دلیل نادیده گرفتن و یا نه پذیرفتن دستورات امریکا در برابر پیوستن اش به یک کمربند و یک جاده (BRI) چین مجازات شود و ایران چونکه از نظر امریکا همیشه مقصر کار کردهای نا درست اش است ؛ پس باید به محل تراکم بیشتر ویروس کرونا درآید ؛ هدف از این استدلال کشف منشا ویروس کرونا نیست ؛ بلکه این استدلالی است که ایالات

متحدہ آیا مرده است کہ بد نبال براندازی و خرابکاری یک جادہ ویک کمربند (BRI) چین نباشد؟ مهم نیست کہ چہ ابزاری را بخاطر تہدید کردن و چماق زدن چین مبنی بر تسلیم شدن چین بہ دنیای خود ش را بکار بیا نداد. بگفتہ ای ژایولجیان بدیہی است کہ چین بہ احتمال زیاد ویا با اطمینان کامل نمیتواند در پروژہ ویک کمربند ویک جادہ (BRI) چین سرمایہ گذاری کند؛ بلکہ احتمال دارد کہ چین با روش های متعارف و غیر متعارف با امریکارو بروشودوبرنامہ های (BRI) خود را با دلجمعی و اطمینان بیشتر دنبال کند . اکنون بہ افغانستان رو می آوریم ؛ و آن اینکہ افغانستان برای صلح جہانی مهم است . اگر ایالات متحدہ مغلوب ویا موفقیت و آرامی از افغانستان خارج شود؛ و ہند / داعش و القاعدہ و ارتش ملی افغانستان (ANA) را کہ طالبان میتوانند بہ حمایت و کمک نیروہای محلی و بومی این ارتش را بہ سادگی از بین ببرند آنرا بحال خود بگذارد- پس در این صورت بازیگران اصلی منطقہ کہ این کار را انجام خواهد داد ویا رہبری خواهد کرد ؛ پاکستان چین و روسیہ خواهد بود ؛ اما حتی کہ ایران و ترکیہ نیز بہ گرفتن سهم در این کار از خود علاقہ مندی نشان خواهند داد .

پاکستانی ہا بخوبی میدانند کہ پس از امضای توافقنامہ بہ اصطلاح صلح بین ایالات متحدہ و طالبان ؛ افغانستان وارد یک دورہ جنگ بسیار خطرناک میشود کہ ہمسایگان آن نباید ساکت بنشینند ؛ اسلام آباد بخوبی میداند کہ طالبان بہ محض ترک امریکایی ہا از افغانستان دولتی را در کابل تشکیل میدہند ؛ اشرف غنی و عبداللہ عبداللہ بر سر کسب قدرت در حال جنگ و ستیز ہستند و ہند بہ دنبال حمایت و پشتیبانی داعش و القاعدہ است تا پاکستان را از کمک رساندن بہ مردم کشمیر دورنگہ دارد و از این رو اسلام آباد فقط یک انتخاب دارد و آن اینکہ یکبار دیگر از بازگشت طالبان پشتیبانی کند . نخست وزیر پاکستان نباید در تحت فشار ایالات متحدہ دولت محمد اشرف غنی را تبریک میگفت ویا کہ آن دولت را برسمیت می شناخت ؛ زیرا کہ این خود بمفہوم ارادہ بد نسبت طالبان است . چونکہ طالبان بد نبال بہ رسمیت شناختن دولت خود اند ؛ نہ بد نبال بہ رسمیت شناختن دولت دست نشانده اشرف غنی . بہر صورت پاکستانی ہا آنچه را کہ باید قبلاً انجام میدادند ؛ انجام دادند ؛ و آنہا بہ احتمال زیاد امریکایی ہا را روی سطح قرار دادند ؛ اما بہ طالبان ہشدار دادند کہ این تنها نوع دیپلما سی در سطح است ؛ طالبان پیام واضحی بہ امریکایی ہا دادند ؛ از اینکہ قرار بود کہ ایالات متحدہ (5000) محبوسین طالبان را حسب مواد تعہد نامہ صلح بین امریکا و طالبان از محاسبہ در تحت کنترول ادارہ اشرف غنی آزاد کند اما ہندوستان اشرف غنی را واداشت کہ محبوسین

طالبان را آزاد نکند تا جایکه وزیر امور خارجه امریکا «مایک پمپئو» ادعا کرد و یا جداً از اشرف «غنی» خواست که این محبوسین را از قید و بند آزاد کند ورنه طالبان هنگام خروج نیروهای ما از افغانستان بالای آنها از عقب تیراندازی خواهد کرد - چنانچه درست در روز گذشته جنگجویان طالبان بیش از صد حمله شان را به اردوی ملی در ده ها ولایت مختلف افغانستان انجام داده اند. معامله آنها فقط با ایالات متحده برای عقب نشینی و یا خروج با امن سربازان امریکایی از افغانستان است؛ اما طالبان هیچ حرمتی نسبت به دولت های محمد اشرف «غنی» و عبدالله «عبدالله» نشان نمیدهند.

توافقنامه صلح ایالات متحده با طالبان میتواند تعادل و یا بیلانس منطقه ای قدرت را از نو تعریف کند.

بقیای قدیمی گروه های سلفی به اصطلاح القاعده در تحت زعامت و یا رهبری ملا «هیبت الله» ریس گروه اصلی طالبان بیعت شان را به گروه ملا «عمر» دادند یعنی که بیعت کردند این گروه سلفی همچنین قول دادند که با تسلیم شدن به طالبان علیه امریکا و هند به کمک داعش/القاعده میجنگند و طالبان اعلام کردند که پروگرام بعدی آنها فتح کابل است - پاکستانی ها کاملاً از این پروگرام آنها حمایت شان را برآز کردند که البته حمایت پاکستان از آنها بشکل پنهانی است چونکه پاکستانی ها به نسبت ترس از امریکا نمیخواهد بگونه آشکار از حمایت خود به آنها اظهار نمایند اما پاکستان در پنهان با در نظر داشت سلوک و رفتار های دیپلماتی خود از این گروه همه جانبه حمایت کرده و حمایت میکند. چونکه پاکستان بدون تامین امنیت مرزهای غربی اش نمیتواند پاسخ مناسب به تجاوز و هجوم هند در کشمیر و قتل عام مسلمانان در داخل هند بدهد. پس اگر امریکا به تعهد خود عمل نکند و علیه طالبان بجنگد پس در این صورت آنها یعنی طالبان یک حمله شدیدی را علیه امریکایی ها آغاز و انجام خواهند داد؛ در حالیکه احتمالاً شاید این مورد اتفاق نیفتد؛ اما حمایت امریکایی ها از آزاد سازی داعش/القاعده قبلاً اتفاق افتاده است و مطمئناً که دوباره اتفاق خواهد افتاد!

چین باید بخاطر اطمینان از منافع خود در طولانی مدت اقدامات ذیل را روی دست گیرد و یا که آنرا انجام دهد:

1- در اولین فرصت باید که دولت طالبان را به رسمیت بشناسد تا معاملات و مرودات اش را پس از جنگ داخلی با دولت بعد از اشرف غنی و عبدالله در افغانستان بین چین و دولت طالبان با وساطت پیشتیبانی و اعتماد متقابل انجام دهد.

- 2-** درنظر بگیرد که به دلیل رفتارهای نادرست ایالات متحده در **ووهان** به امریکا درد سر یا خون بینی فراهم ویا ایجاد نکند یعنی که در افغانستان بخاطر انتقامجویی از امریکا از نیروها ویا مخالفین امریکایی حمایت بعمل نیاورد.
- 3-** و بخاطر آخرین حمله به کابل سلاح های سنگین تری را در اختیار طالبان بگذارد.
- 4- چین و روسیه** باید به طالبان کمک کنند تا هندی ها ، و داعش/القاعده را از منطقه بطور کامل حذف کنند که این کار البته بدون کمک پاکستان امکان پذیر نیست.
- 5-** پس از تثبیت قدرت طالبان در کابل ؛ سازمان همکاری شانگهای (SCO) را برای دستیابی به تفاهم در درون افغانستان فراهم کند اعتماد را مجدداً با سازس کند تا دوباره جنگ داخلی درنگیرد وپیشنهادی برای توسعه افغانستان بمنظور جلوگیری از «قطبیت آینده» ارایه دهد. در داخل کشور درحالیکه حاکمیت افغانستان را دست نخورده نگه داشته است.
- 6-** چین باید روابط و همکاری با همه همسایگان غربی خود یعنی با کشورهای جهان اسلام به توسعه و تعمیق خود بپردازد.

پاکستان هنوز به «BRI» اختصاص دارد و متعهد است که این کار را در دهه های بعدی ادامه دهد. با این حال، «BRI» به یک محیط امن برای کارگران چینی احتیاج دارد، که این امر مستلزم زدن و کوبیدن نیروهای مخالف «BRI» است (یعنی هند، آمریکا و افراد وابسته به آن). درک وضعیت پیچیده و پیچیده افغانستان آسان نیست اگر روایت شخص بر اساس حقیقت بنا شود. نبرد بین سازندگان (چین) و ناوشکن ها (ایالات متحده)، کسانی که ترویج اتصال (چین) و کسانی که مردم، خانواده ها، کشورها و مناطق (ایالات متحده) را قطع می کنند، است. اگر ژائو لیجیان درست باشد (که همه مردم افغانستان و پاکستان معتقدند که چنین هستند)، آنگاه ویروس کرونا بدجنسی توسط امریکا واقعاً جهان را از یکدیگر جدا کرده است. هیچ ارتباطی حتی در بین خانواده ها، دوستان، کارگران، کارخانه ها، ورزش ها، دانشگاه ها و موارد دیگر وجود ندارد. این حرکت ایالات متحده واقعاً جهان را منزوی، جدا و قطع کرده است. نه تنها این خسارت اقتصادی به چین و همه اقتصادهای جهان بسیار زیاد بوده است، بلکه به یک بشریت مطلقه متقابل منجر به ترس از آینده و نه امید شده است.

برای پاکستان، صلح در افغانستان هستی است. همانطور که برای دهلیز اقتصادی چین و پاکستان (CPEC) برای موفقیت چین وجود پاکستان هستی است. در مجموع، هم

برای چین و هم برای پاکستان ، هیچ گزینه مناسب دیگری برای صلح وجود ندارد ، جز کمک به طالبان از هر طریقی که ممکن باشد باید که به قدرت رسند . هند مأمور صلح در افغانستان است و باعث ایجاد خشونت در مرزهای خود می شود . اگر **چین** درگیری خود را در افغانستان افزایش دهد ، **هندی ها** ممکن است به اشتباه در میمون اطراف **چین** در مناطق مرزی خود گمراه شوند . اگر **هندی ها** چنین اشتباهی را مرتکب شوند ، **چین** باید آماده است که علیه **هند** موضع گیری کند .

آنچه به نظر می رسد در روزهای آینده این است که فضای دیپلماسی و افزایش جنگ جنبشی و غیر سینتیکی کمتر خواهد بود . جهان با مساحت خاکستری کمتری سیاه و سفید می شود و این بدان معنی است که دامنه دیپلماسی ممکن است به تدریج در حال کوچک شدن باشد .

----- **با تقدیم سلامها (2020-03-22)** -----

***یادداشت :** این مقاله را یک پاکستانی مذهبی افراطی ؛ منحنط حامی طالبان و مزدور امپریالیزم در دشمنی با هند و افغانستان نوشته است و من عمداً این مقاله را ترجمه کردم تا ملاحظه ای خوانندگان را در مورد یک روشنفکر منحنط پاکستانی که در تنور عصیانیت جلیک سیاه شده است و از دنیای ترجم و وپاکدومی دور افتاده است داشته باشم . روشنفکری که هم در نعل میزند و هم در میخ .